

بررسی تأثیر فعالیت‌های ورزشی بر میزان انحرافات اجتماعی جوانان

احمد بخارایی^۱

سید مهدی آقا پور^۲

امیر ستاری دولت‌آباد^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۹

این مقاله با هدف تبیین رابطه فعالیت‌های ورزشی بر میزان انحرافات اجتماعی جوانان و همچنین با در نظر گرفتن متغیرهای واسط پیوند اجتماعی و پیوند افتراقی برای تبیین رابطه غیر مستقیم فعالیت‌های ورزشی صورت گرفته است. مهمترین سوالاتی که در این پژوهش مورد پی‌گیری قرار می‌گیرد، به دو دسته تقسیم می‌شود: آیا فعالیت‌های ورزشی بر میزان انحرافات اجتماعی تأثیرگذار هستند؟ فعالیت‌های ورزشی به واسطه متغیرهای پیوند اجتماعی و پیوند افتراقی چه تأثیری بر میزان انحرافات اجتماعی دارند؟ روش تحقیق، پیمایشی و ابزار جمع آوری اطلاعات نیز پرسش‌نامه می باشد. برای برآورد اعتبار سؤال‌های پرسشنامه، علاوه بر اعتبار صوری، از تحلیل عاملی تأییدی و برای تعیین پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شده است. در این پژوهش، نمونه‌ای به تعداد ۴۰۰ نفر از میان جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر تبریز نخست به شیوه نمونه گیری خوشه‌ای و در مرحله دوم، به شیوه نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده است. فعالیت‌های ورزشی (متغیر پیش‌بین) به انواع (منظم و نامنظم، سازمان‌یافته و غیرسازمان‌یافته، تیمی و انفرادی) و متغیر انحرافات اجتماعی (متغیر ملاک) نیز به ابعاد وندالیسم و اوباشگری، خشونت و پرخاشگری، مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی و کجروی‌های اخلاقی - فرهنگی تقسیم بندی شده بودند. یافته‌های آماری نشان می‌دهد که بین نوع فعالیت‌های ورزشی (منظم و نامنظم) و میزان هر یک از آنها، نوع فعالیت‌های ورزشی تیمی و انفرادی، میزان پیوند اجتماعی و میزان دوستان منحرف با انحرافات اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ اما بین نوع فعالیت‌های ورزشی (سازمان‌یافته و غیر سازمان‌یافته) با

^۱ - استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور

^۲ - استادیار، گروه تربیت بدنی، دانشگاه تهران

^۳ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)

انحرافات اجتماعی و بین میزان فعالیت‌های ورزشی با پیوند اجتماعی و نیز بین میزان فعالیت‌های ورزشی نامنظم با میزان دوستان منحرف رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: فعالیت‌های ورزشی، انحرافات اجتماعی، پیوند اجتماعی و پیوند افتراقی

مقدمه

رشد فزاینده بزهکاری برابر است با هدر رفتن پتانسیل‌های خلاق و سازنده جامعه؛ آن هم در جامعه‌ای که یک سوم جمعیت آن را جوانان تشکیل می‌دهد. از این رو، تحقیقات فراوانی به منظور شناخت ریشه‌های بزهکاری و زمینه‌های کاهش آن انجام شده است. جامعه‌شناسان عموماً معتقدند بزهکاری با زمینه اجتماعی پیوند دارد. آنها تلاش دارند آن را با متغیرهای فرهنگی - اجتماعی تبیین کنند. برخی به رابطه میان سبک‌های زندگی با بزهکاری پرداخته‌اند؛ به این معنا که سبک زندگی هر فرد او را به انجام فعالیت‌ها و اشتغال به اموری تشویق می‌کند که احتمال بزهکاری را کاهش یا افزایش می‌دهد (هاودان، ۱۹۹۹). بنابراین بسیاری از آسیب‌شناسان اجتماعی برآنند که برای مبارزه با کثرت‌فراوانی‌ها باید زمینه اجتماعی آنها را از میان برداشت (ستوده، ۱۳۸۹).

یکی از زمینه‌های اجتماعی که نقش محوری مهمی در زندگی اجتماعی جوانان ایفا می‌کند، اوقات فراغت است. نیاز به گذران اوقات فراغت به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر به منزله یک "ارزش" برای تمام قشرهای جامعه، بویژه جوانان مطرح است. فضاهای ورزشی از جمله محیط‌هایی هستند که در گذران اوقات فراغت جوانان و نوجوانان نقش عمده‌ای دارند. خاصه که نسل جوان به دلیل ویژگی‌های خاص خود، نظیر داشتن تحرک، تلاش و هیجان و مانند اینها توجه بیشتری به ورزش نشان می‌دهد (معدنکن، ۱۳۶۹). در بسیاری از تحقیقات، جوانان ورزش را به عنوان مناسب‌ترین نوع فعالیت فراغتی انتخاب نموده‌اند؛ به گونه‌ای که انواع ورزش‌ها از مناسب‌ترین و ضروری‌ترین گونه‌های گذران اوقات فراغت در عصر حاضر گشته‌اند.

ورزش به‌عنوان یکی از فعالیت‌های مهم اوقات فراغت از اشکال مهم کنترل اجتماعی به حساب می‌آید و اهداف تربیتی زیادی در پی دارد. اقبال گسترده همگان از ورزش در جوامع پیشرفته صنعتی سبب شده است که ورزش به مثابه تربیت عامه در سال‌های اخیر بسیار پرطرفدار باشد. برای نمونه، اتحادیه اروپایی بر چنین رویکردی تأکید ویژه دارد. در آمریکای شمالی نیز ورزش را «دین جامعه مدنی» معاصر قلمداد کرده‌اند. چنین پنداشتی، نشان از اهمیت جایگاه ورزش در جامعه معاصر دارد (موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران، ۱۳۸۴). برآستی در جهان کنونی کمتر پدیده‌ای را می‌توان یافت که از چنین ویژگی و قابلیت برخوردار باشد، این پدیده جهانی امروزه، امیدهای تازه‌ای را در کنترل و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در بین جوامع بویژه جوانان نوید می‌دهد. پایایی و قوام فضاها و فعالیت‌های ورزشی و همبستگی میان اعضای آن،

شبکه‌ای از مبادلات را طرح‌ریزی می‌نماید که می‌تواند سوگیری رفتار، نگرش و کنش اجتماعی آتی جوانان را موافق با هنجارهای عام اجتماعی تنظیم کند. بی‌گمان هنجارهای اجتماعی منشاء متن‌فد و قوی ارتباط و پیوستگی درون گروهی بوده و بر همین اساس گفته می‌شود که فعالیت‌های ورزشی می‌توانند به عنوان یکی از نمودهای اصلی این ارتباط به شمار آیند.

تحقیقات بسیاری نشان داده است که اغلب بزهکاران نوجوان، از اوقات فراغت خود سوء استفاده می‌کنند. بر این اساس یک علت عمده بزهکاری این است که بزهکاران کار بهتری برای انجام دادن ندارند. امروزه؛ بسیاری از مراکز ویژه تخلفات نوجوانان از برنامه‌های تفریحی- ورزشی اوقات فراغت به‌منظور کنترل، پیشگیری و اصلاح بزهکاری استفاده می‌کنند (ساجن و یاناکیس، ۱۹۸۲، ۱).

در حالی‌که بسیاری بزهکاری را به مثابه شکست جامعه در انتقال ارزش‌های مثبت به نسل جدید خود دانسته‌اند، ورزش‌های سازمان یافته می‌تواند سطح تعهد نوجوانان به ارزش‌ها و نهادهای عرفی را افزایش دهد و در نتیجه موجب کاهش بزهکاری شود.

ورزش که می‌توان آن را به عنوان صورت ممتاز حرکات نمایشی عصر ما ملاحظه کرد، آزمایشگاهی است که در آن رفتارها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و بازنمایی‌های معنادار فرهنگ قرن بیست و یکم شکل می‌گیرد و تجربه می‌شود (دوفرانس، ۱۳۸۵). به عقیده پاتریک در شهرهای صنعتی باید به بازی به عنوان عاملی ضروری و واجب برای بهبود وضع اجتماعی توجه شود. استفاده از انواع بازی‌های مفرح ورزشی به عنوان عامل موثر برای جلوگیری از انحراف، کجروی و رفتارهای ضد ارزشی دوران نوجوانی و جوانی پیشنهاد شده است (نادریان جهرمی، ۱۳۸۹).

افزون بر نمونه‌های تجربی، تئوری‌های بسیاری نیز به تاثیر ورزش بر سلامت اجتماعی و کاهش ناهنجاری‌ها و اختلالات اجتماعی تاکید کرده‌اند. فرضیه‌هایی که بر وجود رابطه ورزش با انحرافات تاکید داشته‌اند، از قرن گذشته شکل گرفته‌اند. در مدارس انگلستان در اواسط دهه ۸۰، برای اولین بار ورزش آشکارا به مثابه شکلی از کنترل اجتماعی به‌کار گرفته شد و فعالیت‌های ورزشی به عنوان جانشینی برای دزدی، قلدری، اوباشگری (وندالیسم) و مستی برای پسر بچه‌های مدرسه‌ای مطرح گردید که می‌توانست تمام اوقات فراغت آنها را پوشش دهد. متعاقباً، ورزش به بخش مهمی از برنامه‌های آموزشی (تحصیلی)

مدارس و دیگر موسسات تربیتی نوجوانان و جوانان در بریتانیا تبدیل گشت. در سال ۱۹۶۵، انجمن ورزش‌های بریتانیا تاسیس شد. یکی از انگیزه‌های تعلیماتی این انجمن، آن بود که در صورت رشد و افزایش بزهکاری در نوجوانان و جوانان، ورزش می‌تواند کارکرد آشکاری در کنترل و کاهش انحرافات داشته باشد (ماسون و ویلسون ۱۹۸۸، ۱).

نظریه کنترل^۲ به جای تاکید بر انگیزه‌های بزهکارانه، ثابت می‌کند که رفتار بزهکارانه نتیجه فشار پیوندهای عرفی می‌باشد. بر این اساس، نظریه‌های کنترل اجتماعی پیش‌بینی می‌کنند که مشارکت در ورزش‌ها پیوندهای جوانان را با جوامع عرفی افزایش می‌دهد و به تبع آن از رفتارهای ضد اجتماعی می‌کاهد (کریگر^۳، ۲۰۰۷). نظریه پیوند افتراقی اظهار می‌دارد که رفتار انحرافی در داخل گروه همسالان (دوستان) از طریق رابطه یا آشنایی با روش‌های ارتکاب اعمال جنایی، انگیزش‌ها، سائق‌ها و توجیح سازی‌ها، یاد گرفته می‌شود (ماسون و ویلسون، ۱۹۸۸). اسنایدر^۴ (۱۹۹۴)، اظهار داشت که اگر ورزشکاران بصورت عمده و در بدو امر، با دیگر ورزشکاران و مربیان وارد تعامل بشوند، این پیوند افتراقی می‌تواند احتمال درگیر شدن در رفتارهای بزهکارانه را کاهش دهد؛ به این معنا که تعامل نخستین با دوستان هم‌فکر، از لحاظ نظری به عنوان سپری در مقابل رفتارها و ارزش‌ها و هنجارهای خرده فرهنگ انحرافی عمل می‌نماید. پوردی و ریچارد^۵ (۱۹۸۳)، بیان نمودند در حالی که بزهکاران ارزش‌ها و رفتارهای بزهکارانه را از گروه همسالان یاد می‌گیرند، اما ورزشکاران بوسیله ارزش‌ها و رفتارهای مطابق با ارزش‌های عرفی و رفتارهای جامعه، جامعه پذیر می‌شوند.

در یک بررسی اجمالی پیرامون تحقیقات انجام‌یافته و نظریات مطرح شده، مشاهده گردید که ورزش به طور عام با مقوله سلامت اجتماعی رابطه مستقیم و با انواع بزهکاری و انحرافات اجتماعی رابطه منفی و معکوس دارد. به این ترتیب، تحقیقات و تئوری‌های یاد شده نشان می‌دهد که فعالیت‌های ورزشی می‌تواند زمینه بروز ناهنجاری‌ها و انواع آسیب‌های اجتماعی را کاهش دهد، اوقات بیکاری و فراغت جوانان را به شکل بهتر و مطلوب‌تری سامان دهد، امکان بروز خشونت و اختلاف را در سطح اجتماع و مناسبات اجتماعی پایین بیاورد، حس گذشت و جوانمردی را در روابط اجتماعی تقویت کند و به طور کلی،

۱ - Mason and Wilson

۲- Control Theory

۳- Kreager

۴ - Snyder

۵ - Purdy and Richard

وضعیت روانی - اجتماعی جوانان را مطلوب و تحمل‌پذیر نماید. چنین تحقیقاتی به وضوح اهمیت فعالیت‌های ورزشی را نمایان می‌سازد و برخی از آثار کلی ورزش بر انحرافات اجتماعی را مشخص می‌نماید.

تحقیقات مزبور در نوع خود مفید و بجا به نظر می‌رسند، اما در کنار یافته‌های تجربی‌شان (به عنوان ابزار علمی شناخت)، به خوبی به تحلیل علمی نپرداخته‌اند. لذا نقصی که در این تحقیقات وجود دارد، فقدان و یا ضعف تحلیل علمی در زمینه تفکیک ابعاد فعالیت‌های ورزشی و در نظر گرفتن متغیرهای واسطه‌ای تاثیرگذار است. این سخن بدین معنی است که تنها با توسل به تحقیقات تجربی کلان نمی‌توان بستر اصلی پدیده‌های اجتماعی را کشف کرد، بلکه باید در کنار تحقیقات تجربی کلان که به عنوان ابزار فرعی مفید تلقی می‌شوند، از تحلیل علمی در سطح خرد نیز سود برد. بنابراین، در تحقیق حاضر سعی می‌شود در کنار سنجش برخی از متغیرهای واسطه‌ای (پیوند اجتماعی و پیوند افتراقی)، تاثیر میزان و انواع فعالیت‌های ورزشی (منظم (سازمان‌یافته و غیر سازمان‌یافته) و نامنظم، تیمی و انفرادی) را نیز در تحقیق مورد آزمون قرار داد.

بر همین مبنا، در تحقیق حاضر به دنبال بررسی تاثیر فعالیت‌های ورزشی بر انحرافات اجتماعی (با ابعاد آن) در سطح شهر تبریز بودیم و سعی شد که جوانب و ابعاد مسئله را به گونه‌ای درست، علمی و مستند سنجیده گردد.

مبانی نظری پژوهش

در این تحقیق برای تبیین رابطه بین ورزش و انحرافات اجتماعی، از نظریه پیوند اجتماعی هیرشی، پیوند افتراقی سادرلند، انرژی مازاد اسپنسر، نظریه فرایند متمدن شدن نوربرت الیاس (احساسات، حالات و خشونت) و تئوری رفتار محرک‌جویی استفاده شده است.

نظریه پیوند اجتماعی هیوشی

در دهه‌های اخیر نظریه کنترل اجتماعی هیرشی (۱۹۶۹)، یکی از رایجترین چارچوب‌های تئوریک در زمینه درک سیمای انحرافات اجتماعی و بویژه بزهکاری جوانان بوده است. برجستگی این نظریه از ارتباط و پیوستگی ادراکی بین افراد و نهادهای اجتماعی عرفی سرچشمه می‌گیرد (اوزبای، ۲۰۰۶: ۷۱۱؛ بووس، فارل و وارنو، ۲۰۰۸). هیرشی در سال ۱۹۶۹، نظریه پیوند اجتماعی را برای آزمودن پیوستگی بین مشارکت در فعالیت‌های ورزشی و رفتارهای ضد اجتماعی جوانان مورد استفاده قرار داد. نظریه کنترل به جای تاکید بر

۱ - ozbay

۲- Booth, Farrell and Varano

انگیزه‌های بزهکارانه، ثابت می‌کند که رفتار هم‌نوا نتیجه فشار پیوندهای عرفی می‌باشد. بر این اساس، نظریه‌های کنترل اجتماعی پیش‌بینی می‌کنند که مشارکت در ورزش، پیوندهای جوانان را با جوامع عرفی افزایش می‌دهد و به تبع آن از رفتارهای ضد اجتماعی می‌کاهد (کریگر، ۲۰۰۷). سگریو (۱۹۸۳) ادعا می‌کند که مولفه‌های ورزش و ورزشکارانه به عنوان پادزهری نسبت به بزهکاری توجه و تمرکز زیادی را بر روی نظریه کنترل در مقایسه با دیگر نظریات به خود جلب کرده است (ماسون و ویلسون، ۱۹۸۸). هیرشی در تحقیقات خود عناصر چهارگانه پیوند اجتماعی (وابستگی یا دلبستگی ۱، تعهد ۲، درگیری یا مشغولیت ۳ و اعتقاد یا باور ۴) را برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی افراد به کار برد: او در بعد سوم یعنی درگیری و مشغولیت معتقد است که برای تمرین و موفقیت در ورزش‌ها افراد باید وقت بیشتری را به این کار اختصاص بدهند و این به معنای مشغولیت و درگیری بیشتر در فعالیت‌های عرفی جوانان محسوب می‌شود که به نوبه خود زمان در دسترس برای رفتار ضد اجتماعی را کاهش می‌دهد (میشل، ۲۰۰۳: ۲۵۷؛ کریگر، ۲۰۰۷). افراد در طول زندگی، زمان و انرژی محدودی دارند. «درگیری» در امور زندگی روزمره، وقت زیادی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می‌شود. افراد بیکار، وقت بیشتری برای هنجارشکنی دارند. پس فراهم بودن تسهیلات ورزشی (ورزش کردن)، موجب کاهش کج رفتاری می‌شود (بخارایی، ۱۳۸۶). شرکت در فعالیت‌های ورزشی و تفریحی بر این اساس که ساعت‌ها و اوقات فراغت جوانان را پر می‌کند، مورد حمایت قرار می‌گیرد- با این فرضیه متعاقب که آنها وقت کمتری جهت درگیری در فعالیت‌های ضد اجتماعی دارند (پوردی و ریچارد، ۱۹۸۳: ۶).

نظریه پیوند افتراقی سادرلند

ادوین سادرلند (۱۹۳۹) بر این باور بود که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با اغیار ۸ یا پیوند افتراقی یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند تبه‌کاران آموخته می‌شود. هر چه سطح تماس فرد با افراد یا گروه‌های منحرف بیشتر باشد، احتمال رفتار انحراف آمیز شخص نیز بیشتر می‌شود و برعکس (کوئن، ۱۳۷۹). نکته اصلی نظریه سادرلند این است که افراد به این علت کج رفتار می‌شوند که

-
- ۱- Attachment
 - ۲- Commitment
 - ۳- Involvement
 - ۴- Belief
 - ۵ - Michael
 - ۶- Purdy and Richared
 - ۷- E.Sutherland
 - ۸- Differantial association

تعداد ارتباط های انحرافی آنان بیش از ارتباط های غیرانحرافی شان است. این تفاوت تعامل افراد با کسانی که ایده های کج رفتارانه دارند نسبت به افرادی که از ایده های همخوانانه برخوردارند (یعنی ارتباط بیشتر آنان با کج رفتاران یا ایده های کج رفتاری) علت اصلی کج رفتاری آنهاست (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷). بر همین مبنا، دور بودن و معاشرت نکردن با دوستان ناباب و منحرف و معاشرت کردن با افراد سالم و بهنجار باعث کنترل و کاهش رفتارهای انحرافی می شود.

نظریه انرژی مازاد^۱ اسپنسر

نظریه انرژی مازاد یا مضاعف به از سوی اسپنسر^۲ در اوایل قرن نوزدهم مطرح گردید. به عقیده او بازی و ورزش به عنوان کاهنده تنش عمل می نمایند. او همچنین بیان می دارد که انرژی از طریق کار از بین نمی رود، بلکه در شخص تا نقطه اوج بالا می رود. سپس این انرژی می تواند در تمامی فعالیت ها به شکل رفتار بزهکارانه صرف شود (اسپنسر، ۱۸۷۳ به نقل از ماسون و ویلسون، ۱۹۸۸). اسپنسر بازی را اساساً ناشی از انرژی متراکم در توانای های به کار گرفته نشده می داند و بر این پایه، به بررسی این پدیده می پردازد. او در تئوری خود، میل به بازی را بر این اساس تفسیر می کند که موجود زنده به گونه ای آفریده شده است که بیش از نیازهای بدنی خود، انرژی در اختیار دارد و این انرژی انباشته برای آن که به مصرف برسد، برونشوی می طلبد و این همان عاملی است که انسان را به سمت بازی سوق می دهد (انوالخولی، ۱۳۸۳). همان طور که سگریو (۱۹۸۳) بیان نمود اغلب فعالیت های فیزیکی بر پایه و اساس اصولی حمایت می شوند که به کودکان اجازه می دهد به جای روش مخرب، به شکل مثبت از این جریان خارج شوند- یعنی، با انجام فعالیت های ورزشی، انرژی خودشان را تخلیه کنند (ماسون و ویلسون، ۱۹۸۸).

تئوری رفتار محرک جویی^۳ سیلرز

تئوری محرک جویی پیشنهاد می کند که " افراد در جستجوی محرک به شکل فعال بدنبال محیط هایی هستند که سائق های اولیه شان در آنها ارضا می شوند یا قبلاً ارضا شده است". بنابراین بر عکس نظریه مضاعف، سیلرز^۴ (۱۹۷۱) پیشنهاد می کند که بزهکاری، نتیجه نیاز شدید برای محرک است. در این مورد مدافعان ورزش استدلال می کنند که تمامی انواع فعالیت های فیزیکی محیط های با محرک بالا فراهم می کنند. به

۱ - Surplus Energy Theory

۲- Spencer

۳- Stimulus- Seeking Behaviour

۴- Sales

همین دلیل برای افرادی که در جستجوی حفظ سطح مطلوبی از هیجان می‌باشند، بازی‌ها و فعالیت‌های تفریحی، جانشینی مفیدی برای بزهکاری است (ماسون و ویلسون، ۱۹۸۸) ساجن و یاناکیس (۱۹۸۲)، دیدگاه مشابهی را با توجه به فرصت‌های چالش‌برانگیز که بواسطه برنامه‌های پیوند بیرونی^۱ فراهم می‌آید، بسط دادند. بنابراین اگر رفتار بزهکارانه، راهی برای به‌دست آوردن شور و هیجان از طریق بعضی ماجراجویی‌ها یا شهامت انجام فعالیت‌های بزهکارانه باشد، می‌توان ادعا نمود که محیط ورزشی می‌تواند این تمایلات و نیازها را از طریق هیجانات ناشی از سرعت، جنب و جوش و موقعیت‌های تجربه مخاطره-آمیز، ارضا کند؛ به عبارتی، جستجوی محرک از طریق ورزش، جایگزین جستجوی محرک از طریق انحرافات گردد (اسنایدر، ۱۹۹۴).

نظریه فرایند متمدن شدن نوربرت الیاس: احساسات، حالات و خشونت

نوربرت الیاس بر این باور است که در جوامع اولیه، آدمی احساساتش را خیلی راحت و حتی به شکل فیزیکی بروز می‌داده است که با کنترل شهرنشینی و مدنیت این احساسات را دورن خود انباشته و مخفی کرده است، ولی در صحنه فعالیت‌های ورزشی که پویایی و تحرک فیزیکی زیاد است، زندگی اولیه طبیعی تداعی می‌شود و ساختار جدید مدنیت برایش بی‌اثر می‌گردد که عقده‌گشایی می‌کند. از نظر سورکین، ورزش شکل مسالمت‌آمیزی است که با مدنیت کنونی جایگزین تجاوزات به هموعان در بشر اولیه شده است (جهانفر، ۱۳۸۱). او معتقد است ورزش در واقع به نوعی جبران آن خشونت فیزیکی است که در قدیم مجاز شمرده می‌شد و هم اکنون مجاز شمرده نمی‌شود. لذا ورزش به شکل روشمند و فعلی از اوایل قرن ۱۶ شروع شد، چرا که در همین زمان است که زندگی بیرونی و درونی آن قدر کنترل شده و به نظم درآمده که ضرورت داشت جاهای دیگری برای تخلیه خشونت به رسمیت شناخته شود. الیاس در یکی از مطالعاتش دریافت که وقتی جنگ در پارلمان بالا می‌گرفت، مشاجره در کلوب‌های ورزشی پایین می‌آمد و برعکس (اباذری، ۱۳۸۱). ورزش اجازه می‌دهد که مردم هیجان کامل از تقلای بدون خطر و ریسک را تجربه کنند. با وجود این، ورزش بطور کامل کارکردی خالص و تصفیه شده ندارد. همین طور روزنه‌ای است برای احساساتی که نمی‌تواند از طریق دیگری در جنبه‌های عادی زندگی اجتماعی تصفیه شوند (مهرآیین، ۱۳۸۷). الیاس با تشریح تحول فرهنگ بدن از عهد عتیق تا دوران معاصر، فرآیند منضبط ساختن بدن و کنترل کردن رفتارهای پرخاش گرایانه را نشان می‌دهد (ذکایی، ۱۳۸۷).

۱- Outward bound

این فرضیه بر این مبنا قرار دارد که شاید در برخی موارد بزهکاری، نتیجه خستگی محض باشد. کلینارد^۲ و وید^۳ (۱۹۶۶) گزارش کردند که بیشتر اعمال خشونت بار و وندالیسم در جوانان نتیجه آن است که آنان کار و فعالیت مناسبی برای پر کردن اوقات فراغتشان ندارند. اسکافر^۴ (۱۹۶۹) بیان نمود که بطور آشکار در ورزشکاران احتمال خستگی کمتر بوده و از آنجایی که ورزش‌ها بیشتر بعد از مدرسه یا در تعطیلات آخر هفته انجام می‌گیرد، این قضیه صادق خواهد بود (ماسون و ویلسون، ۱۹۸۸).

پیشینه پژوهش

گلزاده (۱۳۸۲) پژوهشی با عنوان «تربیت بدنی و نقش آن در کاهش گرایش به انحرافات اجتماعی» در بین دانش آموزان پسر دبیرستان‌های اردبیل انجام داده است. تاکید اصلی این پژوهش، بر نقش تربیت بدنی و فعالیت‌های ورزشی در کاهش گرایش به انحرافات اجتماعی می‌باشد. نتایج حاصله از آزمون فرضیه‌های پژوهش بیانگر آن بود که تربیت بدنی رابطه معنی‌داری با کاهش گرایش به انحرافات اجتماعی دارد. همچنین، تربیت بدنی رابطه معنی‌داری با متغیرهای واسطه تحقیق (ارضای نیازها، شکوفایی شخصیت، گذران سالم اوقات فراغت، تربیت صحیح اخلاقی و رعایت هنجارها) دارد. این متغیرها نیز رابطه معنی‌داری با کاهش گرایش به انحرافات اجتماعی دارند.

فتحی‌پور (۱۳۸۷) پژوهشی با عنوان مقایسه‌ی نگرش به انحرافات اجتماعی نوجوانان پسر ورزشکار و غیر ورزشکار انجام داده است. نتایج این تحقیق بیانگر آن بود که بین دو گروه ورزشکار و غیر ورزشکار، به لحاظ نگرش نسبت به مصرف مشروبات الکلی، استعمال مواد مخدر و عدم رعایت هنجارهای اجتماعی تفاوت معنی‌دار وجود دارد و نوجوانان ورزشکار، نگرش منفی‌تری نسبت به سه شاخص مذکور در مقایسه با نوجوانان غیر ورزشکار داشتند. همچنین بر اساس نتایج تحقیق، بین دو گروه ورزشکار و غیر ورزشکار، به لحاظ نگرش نسبت به برقراری روابط نامشروع، تفاوت معنی‌دار وجود نداشت.

یعقوبی هریکنده (۱۳۸۷) تحقیقی با عنوان بررسی تاثیر فعالیت‌های ورزشی نوجوانان بر نگرش نسبت به بزهکاری انجام داده است. در این تحقیق از نظریه پیوند اجتماعی هیرشی و عزت نفس برای تبیین تاثیرات

۱- Boredom Theory

۲- Clinard

۳- Wade

۴- Schafer

متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته استفاده شده است. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان داده است که متغیرهای پیوند اجتماعی (با عناصر چهارگانه‌اش) و عزت نفس رابطه معکوس و معنی‌داری با بزهکاری دارند، بطور مثال، با کاهش درگیرهای ورزشی، بزهکاری افزایش می‌یابد و با افزایش فعالیت‌های ورزشی، بزهکاری کاهش می‌یابد. همچنین، میان تعهد تحصیلی و بزهکاری رابطه معنی‌داری دیده نشد.

اسکافر^۱ (۱۹۶۹) در اواخر دهه ۱۹۶۰، از نخستین ارزیابی‌های تجربی که ارتباط ورزش و بزهکاری را مدنظر قرار داده بودند، حمایت کرد. جامعه آماری او ۵۸۵ نفر از دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان در یکی از مدارس بزرگ آمریکا بود. ۲۸ درصد از پسرها به عنوان ورزشکار طبقه‌بندی شده بودند؛ به‌طوری‌که آنان دوره کاملی از ورزش‌های داخل مدرسه را در طول سه سال دبیرستان به پایان رسانده بودند. بقیه دانش‌آموزان هم به عنوان غیر ورزشکار در نظر گرفته شدند. همچنان که اسکافر پیش‌بینی می‌کرد، نتایج به‌دست آمده رابطه منفی بین مشارکت ورزشی و بزهکاری را نشان داد. از موارد گزارش شده بزهکاری، ۷ درصد برای ورزشکاران در مقایسه با ۱۷ درصد برای غیر ورزشکاران بدست آمد. این یافته گویای این مطلب است که مشارکت در ورزش‌های درون مدرسه‌ای می‌تواند تأثیر بازدارنده بر بزهکاری داشته باشد (ماسون و ویلسون، ۱۹۸۸).

بوهرمن^۲ (۱۹۷۷) پژوهشی برای شناخت برخی جنبه‌های انحراف و رابطه آن با فعالیت ورزشی در میان دانش‌آموزان دختر دبیرستانی آیوا (Iowa) به عمل آورد. نتایج نشان داده است که مشارکت ورزشی رابطه معکوس (منفی) با استعمال دخانیات، مصرف مشروبات الکلی، تقلب در امتحانات و سروکار داشتن با پلیس دارد. نتایج تحقیق همچنین حاکی از آن است که درجه عملکرد ورزشی با رفتارها و خلق و خوی‌های پسندیده متداول رابطه مثبت دارد (انورالخولی، ۱۳۸۳).

لندرز و لندرز^۳ (۱۹۷۸) در تحقیقی نشان دادند که مسابقات ورزشی مدارس در کاهش میانگین بزهکاری نوجوانان تأثیرات مفیدی دارد. این نتایج آشکار ساخت که بالاترین میانگین بزهکاری در میان گروه دانشجویانی بوده که در برنامه‌های فعالیت داخل مدرسه ورزش نمی‌کنند و برعکس، کمترین میانگین بزهکاری در بین دانشجویانی بوده است که این دو پژوهشگر آنها را در ضمن گروه ورزشکاران و رهبران خدمات ورزشی مدرسه تقسیم‌بندی کرده بودند (انورالخولی، ۱۳۸۳).

۱ - Schafer

۲ - Buhrman

۳ - Landers and Landers

سگریو و هاستید^۱ (۱۹۸۲) یکی از جامع‌ترین تحقیقات را در این حوزه انجام داده‌اند. آنها در این مطالعه تلاش کرده‌اند که تفاوت‌های رفتار بزهکارانه را در میان ورزشکاران و غیر ورزشکاران و بین گروه‌های متفاوت ورزشی تعیین نمایند. نتایج روشن ساخت که ورزشکاران دبیرستانی بطور معنی‌دار رفتار بزهکارانه کمتری نسبت به غیر ورزشکاران از خود به نمایش گذاشته‌اند. رابطه منفی بین ورزشکاری و رفتار بزهکارانه در میان تمامی نمونه‌ها و برای تمامی انواع بزه تعمیم داده شد. بویژه اینکه محققان مزبور دریافتند که ورزشکاران کمتر مرتکب دزدی‌های کوچک، وندالیسم و حمله فیزیکی می‌شوند. این رابطه در میان گروه‌های سنی جوانان، مردان و زنان، سفیدها و جوانان روستایی و شهری تفاوت معنی‌دار آماری داشته است. همچنین، مشارکت ورزشی به عنوان بازدارنده رفتار بزهکارانه می‌تواند عامل موثر قوی‌تری، در میان مردان نسبت به زنان باشد (ماسون و ویلسون، ۱۹۸۸).

اندرز و اندرز^۲ (۲۰۰۳) اصلاح جوانان از طریق ورزش را در یک واحد اقامتی تأمینی تحت نظارت مرکز جرم در انگلستان مورد مطالعه قرار داده‌اند. این مطالعه از نوع کیفی و یک مطالعه مشاهده‌ای شبه طولی محسوب می‌شود. تحلیل تجارب به‌دست‌آمده در این واحد نشان می‌دهد که استفاده از فعالیت‌های ورزشی مثل شنا و سایر فعالیت‌های سازمان یافته به عنوان برنامه‌های اصلاحی مناسب، بازخورد مثبتی دارد و نیاز-های فردی را به خوبی ارضا و رفع می‌نماید. این مطالعه تأکید می‌کند که فعالیت‌های ورزشی باید انتخابی و سازمان یافته باشند، در غیر این صورت ممکن است نتایج سوء به بار بیاورند. در پایان این مطالعه پیشنهاد شده است که تحقیقات بعدی به این مسئله بپردازد که چگونه ورزش، کنترل اجتماعی عملی و زبانی را اعمال می‌کند (به نقل از یعقوبی هریکنده، ۱۳۸۷).

کریگر^۳ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «خشونت غیر ضروری؟ ورزش‌های مدرسه‌ای، شبکه‌های دوستانه و خشونت مردان جوان» به بررسی نظریه کنترل اجتماعی، یادگیری اجتماعی و نیاز به ابراز مردانگی پرداخته است. این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال است که میزان مشارکت در فعالیت‌های درون مدرسه‌ای، چقدر در خشونت پسران سهم دارد؟ در مقابل انتظارات نظریه کنترل اجتماعی، تحلیل‌های این تحقیق نشان می‌دهد که درگیری در فعالیت‌های ورزشی و ورزشکار بودن، مانع از خشونت مردان نمی‌شود. به هر حال یک رابطه قوی بین ورزش‌های تماسی و خشونت وجود دارد.

۱ - Segrave and Hastad

۲ - Andrews and Andrews

۳ - Kreager

ورملیون^۱(۲۰۰۷)، مقاله‌ای با عنوان «مشارکت ورزشی و انحرافات جوانان: تحلیلی استدلالی (منطقی)» ارائه کرده است. هدف این تحقیق، آزمایش رابطه بین مشارکت ورزشی و انحرافات تعریف شده در بین دانش‌آموزان می‌باشد. در تحلیل نتایج این رابطه از متغیرهای واسطه خانواده، مدرسه و دانش‌آموزان که از تحقیق آموزش ملی استخراج و اقتباس شده بود، استفاده گردیده است. نتایج روشن می‌کند که مشارکت ورزشی تاثیر ضعیفی بروی انحرافات جوانان دارد. در حالی که تحلیل‌ها، از وجود تفاوت معنی‌دار آماری بین ورزشکاران و غیر ورزشکاران در ارتباط با شخصیت‌های معین (که به واسطه‌ی نظریه پیوند اجتماعی حاصل می‌شود) دارد؛ به عبارتی، مشارکت ورزشی به واسطه نظریه پیوند اجتماعی بر میزان رفتار انحرافی تاثیر می‌گذارد. بعلاوه، رگرسیون منطقی نشان می‌دهد، در حالی که مشارکت ورزشی، انحرافات جوانان را تعدیل می‌کند، ویژگی‌های دیگر پیوند اجتماعی از قبیل ویژگی‌های خانوادگی تاثیر بیشتری بر رفتار انحرافی دارند.

در تحقیقات انجام یافته در ایران، با اینکه برخی از جوانب مهم تاثیر فعالیت‌های ورزشی بر انحرافات اجتماعی، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته، اما برخی کاستی‌ها و نواقص نیز به چشم می‌خورد. برای مثال، برخی از پژوهش‌هایی که در رابطه با انحرافات اجتماعی صورت گرفته در سنجش خود، گرایش به انحرافات را مدنظر قرار داده‌اند. با توجه به اینکه مطالعات انجام یافته، بیشتر در گروه سنی نوجوانان و جوانان بوده است، به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، گرایش به انحرافات اجتماعی به علل زیستی- روانی و اجتماعی در این گروه سنی بالا می‌باشد. بنابراین لزوماً گرایش داشتن به انحرافات، به منزله ارتکاب آن نمی‌تواند باشد. برای رفع این مشکل در تحقیق حاضر ارتکاب به انحرافات مدنظر قرار گرفته است. برای سنجش ارتکاب نیز از روش خود اعترافی که برای گروه سنی جوانان مناسب است، استفاده شده است. مزیت‌هایی که می‌توان برای این نوع سنجش در نظر گرفت این است: (۱) میزان دقت در اندازه‌گیری رفتار انحرافی بالا است (۲) قدرت تعمیم‌پذیری به جمعیت وسیع‌تری را دارد (۳) احتمال خطا در آن محدود است (۴) تخلفات جزئی و پیش پا افتاده را که به طور طبیعی مهم می‌باشند و در واقعیت وجود دارند، ولی در مراجع رسمی کمتر به آنها پرداخته می‌شود، مورد توجه قرار می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۹).

عمدت‌ترین کاستی تحقیقات خارجی نیز متناسب نبودن با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه ما و لزوم توجه به ابعاد تاثیرگذار این مسئله می‌باشد؛ بطوری که نگرش به ورزش و فعالیت‌های ورزشی و ورزشکار

بودن در جوامع غربی با جامعه ما تفاوت دارد. لذا لزوم توجه به تحقیقات داخلی مبنی بر رسیدن به تصویری واقعی از وضعیت موجود امری ضروری است.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش:

در این پژوهش از روش تحقیق پیمایشی برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است که به صورت مقطعی انجام گرفته است. با توجه به مسئله حاضر، واحد تحلیل در این پژوهش فرد می‌باشد و سطح تحلیل شهر است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه نوجوانان و جوانان واقع در گروه سنی ۱۵-۲۹ سال در سطح شهر تبریز بود. تعداد جمعیت واقع در این گروه سنی بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، ۴۹۵۰۹۶ نفر بوده است. برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که بر آن اساس، تعداد حجم نمونه برای جامعه تحقیق مورد نظر ۴۰۰ نفر محاسبه شد. در این پژوهش به دلیل ساختار جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و سپس از نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است.

ابزارهای پژوهش

برای سنجش متغیر انحرافات اجتماعی، ابتدا انحرافات اجتماعی به چهار بعد وندالیسم، خشونت و پرخاشگری، مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی، کج‌روی‌های اخلاقی- فرهنگی تقسیم شده است. سپس برای هر بعد، شاخص‌هایی در نظر گرفته شده و در نهایت با سؤال‌های مناسب مورد سنجش قرار گرفته است. برای بعد وندالیسم، شاخص‌هایی مانند آسیب رساندن به باجه‌های تلفن عمومی، نوشتن روی در و دیوار شهر و مکان‌های عمومی، پاره کردن صندلی اتوبوس‌های شهری، مترو و قطار و غیره... طراحی شده است (قاسمی، ذوالاکتاف و علی‌وند، ۱۳۸۸). زور گفتن به دوستان، دعوا در خیابان، حمل چاقو، صدمه زدن به دیگران، هل دادن شدید و غیره... نیز به عنوان شاخص‌های خشونت و پرخاشگری انتخاب شده‌اند. برای بعد مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی نیز شاخص‌های سیگار کشیدن، استفاده از مواد مخدر مثل تریاک و هروئین و...، استفاده از قرص‌های اکستازی (روانگردان) و...، خوردن مشروبات الکلی استفاده شده است. شاخص‌های کج‌روی‌های اخلاقی- فرهنگی شامل این موارد می‌شوند: فرار از خانه، دروغ گفتن، داشتن

روابط دوستی با جنس مخالف، رد و بدل کردن فیلم‌ها و عکس‌های ناشایست، تقلب در کسب و کار و دزدی و سرقت.

متغیر درگیری شامل دو بعد می‌باشد: ۱- درگیری در فعالیتهای ورزشی ۲- درگیری در فعالیتهای غیرورزشی. در این تحقیق فعالیتهای ورزشی به دو گروه کلی ورزش‌های منظم و نامنظم تقسیم شده‌اند. همچنین، فعالیتهای ورزشی منظم نیز به دو گروه کلی سازمان‌یافته (فعالیتهای ورزشی منظمی که زیر نظر مربی انجام می‌شود) و غیر سازمان‌یافته (فعالیتهای ورزشی منظمی که به صورت تفریحی و سرگرمی انجام می‌پذیرد) تقسیم شده است. علاوه بر این تقسیم‌بندی‌ها، فعالیتهای ورزشی به ۳ گروه کلی با توجه به نوع رشته‌های ورزشی تقسیم‌بندی شده است: ۱- فعالیتهای ورزشی تیمی (مانند فوتبال، والیبال و...)، ۲- فعالیتهای ورزشی انفرادی (مانند کشتی، ورزش‌های رزمی و...) و ۳- فعالیتهای ورزشی برای کسانی که در هر دو نوع فعالیتهای ورزشی تیمی و انفرادی مشارکت دارند. رشته‌های ورزشی نیز در ۱۴ طبقه، تقسیم‌بندی شده‌اند که عبارت‌اند از: ۱- والیبال، هندبال و بسکتبال ۲- فوتبال ۳- بدمینتون و تنیس ۴- کوهنوردی ۵- شنا ۶- دومیدانی ۷- ژیمناستیک ۸- نرمش، آمادگی جسمانی، پیاده‌روی و ایروبیک ۹- دوچرخه‌سواری ۱۰- اسب سواری ۱۱- کشتی ۱۲- قایقرانی ۱۳- ورزش‌های رزمی ۱۴- بدن سازی.

برای عملیاتی کردن پیوند افتراقی، میزان مشاهده رفتار انحرافی دوستان نزدیک و صمیمی جوانان در طول ماه‌های گذشته با ۱۹ گویه مورد سنجش قرار گرفته است. متغیر پیوند اجتماعی نیز با چهار بعد: (۱) دلبستگی (۲) تعهد (۳) مشغولیت (۴) اعتقاد و در مجموع با ۳۱ گویه مورد سنجش قرار گرفته است.

در این پژوهش، برای برآورد اعتبار سؤال‌های پرسشنامه، علاوه بر اعتبار صوری برای آزمون روایی مقیاس‌های متغیر انحرافات اجتماعی و پیوند اجتماعی از تحلیل عاملی تاییدی استفاده شده است. در این تحقیق متغیرها از طریق آماره K.M.O^۱ و آزمون بارتلت^۲ بصورت متعامد یا مستقل و از نوع چرخش واریماکس^۳ آزموده شدند. معناداری این آزمون نشان دهنده آن است که ماتریس همبستگی موجود، قابلیت تحلیل عاملی را دارد و ماتریس همبستگی بین متغیرها، ماتریس واحد نیست و ایده تحلیل عاملی برای سؤالات ایده مطلوبی است. برای تعیین پایایی مقیاس‌ها از ارزش آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار آلفای کرونباخ برای متغیر پیوند اجتماعی ۰/۸۱ و پیوند افتراقی ۰/۸۲ و برای متغیر انحرافات اجتماعی ۰/۹۲

۱ - Kaiser Meyer Olkin

۲ - Bartlett test of Sphericity

۳ - Varimax Rotation

می‌باشد بنابراین پایایی کلی گویه‌های پرسشنامه، با اجرای آزمون کرونباخ بر روی گویه‌ها در حد مطلوب است. همچنین با توجه به اینکه توزیع داده‌ها، توزیع نرمال نبوده از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش پژوهش

مشخصات جمعیت شناختی پاسخگویان

این مطالعه بر اساس اطلاعات ۴۰۰ نفر در شهر تبریز صورت گرفته است. از بین کل پاسخگویان ۳۰۰ نفر مرد (۷۵ درصد) و ۱۰۰ نفر زن (۲۵ درصد) بوده‌اند. دامنه تغییرات سن در جامعه آماری مورد بررسی بین ۱۵ تا ۲۹ سال بوده است که بیشترین توزیع فراوانی مربوط به گروه سنی ۱۹ تا ۲۴ سال (۵۷/۵ درصد) می‌باشد. بیشترین میزان اوقات فراغت جوانان در روزهای معمول هفته ۳ تا ۴ ساعت (۴۴/۸ درصد) بوده است. ۱۵۹ نفر (۳۹/۸ درصد) از جوانان به صورت منظم به فعالیت‌های ورزشی می‌پردازند و ۲۴۱ نفر (۶۰/۳ درصد) فعالیت‌های ورزشی نامنظم دارند.

نتایج تحلیل‌های آماری

فرضیه اول: بین میزان فعالیت‌های ورزشی و عناصر پیوند اجتماعی (وابستگی، تعهد، درگیری و باور) رابطه وجود دارد.

جدول ۱: همبستگی بین میزان فعالیت‌های ورزشی و پیوند اجتماعی

ابعاد ورزش		وابستگی	تعهد	درگیری	باور	پیوند اجتماعی
فعالیت‌های ورزشی نامنظم	همبستگی اسپیرمن	۰/۰۳۹	۰/۱۶۴	۰/۰۴۹	۰/۱۹۶	-۰/۰۷۲
	سطح معناداری	۰/۵۵۲	۰/۵۵۶	۰/۴۵۲	۰/۰۰	۰/۲۶۸
فعالیت‌های ورزشی منظم	ضریب همبستگی	-۰/۱۵۳	۰/۱۷۴*	-۰/۰۹۲	-۰/۰۲۲	-۰/۰۵۷
	سطح معناداری	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۲۷۴	۰/۷۹۳	۰/۵۰۵

جدول ۱ نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین میزان فعالیت‌های ورزشی نامنظم و پیوند اجتماعی کل وجود ندارد، این در حالی است که از میان ابعاد پیوند اجتماعی تنها بعد باور با میزان فعالیت‌های ورزشی نامنظم رابطه معنی‌دار مثبت و ضعیفی دارد. همچنین، نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین میزان فعالیت‌های ورزشی منظم و ابعاد پیوند اجتماعی بجز بعد تعهد وجود ندارد. در مجموع، نیز بین میزان فعالیت‌های ورزشی منظم و پیوند اجتماعی کل رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

فرضیه دوم: بین میزان پیوند اجتماعی و انحرافات اجتماعی جوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۲: ضرایب همبستگی مابین ابعاد پیوند اجتماعی با ابعاد انحرافات اجتماعی پاسخگویان

ابعاد		ونداليسم	خشونت	مصرف مواد	كجرويهای اخلاقی	انحرافات اجتماعی
وابستگی	همبستگی	-۰/۱۰۵	-۰/۰۲	-۰/۱۹۵**	-۰/۰۵۴	-۰/۱۴۷**
	سطح معناداری	۰/۰۳	۰/۶۷	۰/۰۰	۰/۲۸۴	۰/۰۰
تعهد	همبستگی اسپیرمن	-۰/۱۶۸**	-۰/۱۲۵*	-۰/۱۲۴*	-۰/۱۰۵*	-۰/۱۰۵*
	سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۳
درگیری	همبستگی اسپیرمن	۰/۰۵۴	۰/۰۱۲	-۰/۱۸۳**	-۰/۱۴۰**	-۰/۱۰۴*
	سطح معناداری	۰/۲۸۳	۰/۸۰۶	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۳
باور	همبستگی اسپیرمن	-۰/۲۰۹**	-۰/۰۰۷	-۰/۱۵۰**	-۰/۰۶۷	-۰/۱۴۹**
	سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۸۸۲	۰/۰۰	۰/۱۸۶	۰/۰۰
پیوند اجتماعی	همبستگی اسپیرمن	-۰/۱۸۱**	-۰/۰۹۸	-۰/۲۲۷**	-۰/۱۱۱*	-۰/۲۱۱**
	سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۰۵۲	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۰

همانطور که ملاحظه می شود بین ابعاد پیوند اجتماعی و انحرافات اجتماعی کل رابطه منفی و معکوسی وجود دارد. شدت این رابطه نیز در حد ضعیف می باشد. همچنین، بین پیوند اجتماعی کل و انحرافات اجتماعی کل نیز رابطه منفی و معنی داری وجود دارد؛ به عبارتی، با افزایش میزان پیوند اجتماعی از میزان انحرافات اجتماعی کاسته می شود و برعکس.

فرضیه سوم: میزان دوستان ناباب و منحرف (پیوند افتراقی) به تفکیک نوع فعالیت های ورزشی جوانان تفاوت معنی داری دارد.

جدول ۳: میزان دوستان منحرف پاسخگویان بر اساس نوع فعالیت های ورزشی

نوع فعالیت ورزشی	تعداد	میانگین	کمیت Z	سطح معناداری
بصورت منظم	۱۵۹	۱۷۰/۰۱	۴/۴۱	۰/۰۰
بصورت نامنظم	۲۳۷	۲۱۷/۶۲		

۰/۳۸۱	۰/۸۷۶	۷۵/۱۸	۳۹	سازمان یافته
		۸۱/۵۷	۱۲۰	غیر سازمان یافته

بر اساس جدول ۳ آزمون یو-من- وایتنی و با استناد به مقدار آزمون Z و سطح معناداری، تفاوت معنی داری بین فعالیت های ورزشی سازمان یافته و غیرسازمان یافته براساس میزان دوستان منحرف وجود ندارد. به عبارت دقیق تر، نوع فعالیت های ورزشی پاسخگویان (سازمان یافته و غیرسازمان یافته) بر روی میزان دوستان منحرف آنان اثر معنی داری نمی گذارد. اما با اطمینان ۰/۹۹ به لحاظ آماری تفاوت میزان دوستان منحرف در بین جوانان با فعالیت های ورزشی منظم و نامنظم معنی دار است؛ به طوری که میانگین میزان دوستان منحرف برای جوانانی که فعالیت ورزشی منظم دارند (۱۷۰/۰۱) و برای جوانانی که به صورت نامنظم فعالیت ورزشی می کنند (۲۱۷/۶۲) می باشد و این نشانگر آن است که میزان دوستان منحرف برای جوانانی که فعالیت ورزشی منظم دارند نسبت به جوانانی که فعالیت نامنظم ورزشی دارند کمتر است.

فرضیه چهارم: بین میزان پیوند افتراقی (دوستان منحرف) و انحرافات اجتماعی جوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۴: ضرایب همبستگی ما بین میزان دوستان منحرف و انحرافات اجتماعی

دوستان منحرف	وندالیسم	خشونت و پرخاشگری	مصرف مواد	کجروی های اخلاقی	انحرافات اجتماعی
همبستگی اسپیرمن	۰/۰۹۸	۰/۵۳۰***	۰/۱۶۷***	۰/۶۲۷***	۰/۶۴۲***
سطح معناداری	۰/۰۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰

در جدول ۴، رابطه بین میزان دوستان منحرف و انحرافات اجتماعی جوانان آمده است. بالاترین همبستگی را در بین شاخص های انحرافات اجتماعی، بعد کجروی های اخلاقی- فرهنگی، خشونت و پرخاشگری و مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی به ترتیب ۰/۶۲۷، ۰/۵۳۰، و ۰/۱۶۷ دارا می باشند. همچنین، میزان دوستان منحرف با بعد وندالیسم و اوباشگری رابطه معنی داری ندارد. با توجه به نتایج بدست آمده همبستگی کل برای متغیر «داشتن دوستان منحرف» و انحرافات اجتماعی ۰/۶۴۲ و با سطح معنی داری ۰/۰۰ می باشد. این بدان معنی است که میزان دوستان نابهنجار و منحرف با میزان انحرافات اجتماعی جوانان رابطه قوی و مثبتی دارد.

فرضیه پنجم: میزان انحرافات اجتماعی به تفکیک نوع فعالیت‌های ورزشی (تیمی، انفرادی، هردو) تفاوت معنی‌داری دارد.

جدول ۵: آزمون کروسکال-والیس انحرافات اجتماعی به تفکیک نوع فعالیت‌های ورزشی

سطح معناداری	درجه آزادی	Chi-Square	
۰/۰۰	۲	۱۵/۹۵۳	فعالیت‌های ورزشی منظم
۰/۱۰۷	۲	۲/۲۵۹	فعالیت‌های ورزشی نامنظم

برای سنجش این فرضیه از آزمون کروسکال-والیس^۱ که معادل ناپارامتری آزمون تحلیل واریانس یک طرفه^۲ (F) است، استفاده شده است. با توجه به جدول ۵، و این که مقدار آزمون Chi-Square (۱۵/۹۵۳) در سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۱ می‌باشد، به لحاظ آماری میزان انحرافات اجتماعی در بین انواع فعالیت‌های ورزشی منظم (تیمی، انفرادی، هردو) متفاوت است. اما با توجه به مقدار آزمون Chi-Square (۲/۲۵۹) در سطح خطای بزرگتر از ۰/۰۵ به لحاظ آماری میزان انحرافات اجتماعی در بین انواع فعالیت‌های ورزشی نامنظم (تیمی، انفرادی، هردو) متفاوت نیست.

جدول ۶: آزمون کروسکال-والیس انحرافات اجتماعی به تفکیک نوع فعالیت‌های ورزشی

فعالیت‌های ورزشی منظم	تعداد نمونه	انحرافات اجتماعی
تیمی	۵۴	۱۴/۹۶
انفرادی	۷۷	۶۲/۶۷
هردو	۹	۵۰/۷۲

در جدول ۶، میانگین نمرات جوانان با فعالیت ورزشی منظم برای انحرافات اجتماعی به تفکیک آورده شده است. در این جدول می‌توان مشاهده کرد که فعالیت‌های ورزشی منظم تیمی بیشترین میانگین انحرافات اجتماعی را دارند. در کل متغیر وابسته تحقیق، یعنی انحرافات اجتماعی در بین فعالیت‌های ورزشی منظم تیمی و انفرادی و همچنین هردو متفاوت ظاهر شده و تفاوت آنها معنی‌دار گشته است.

فرضیه ششم: بین میزان فعالیت‌های ورزشی و انحرافات اجتماعی جوانان رابطه وجود دارد.

^۱ - Kruskal- Wallis or K-W Test

^۲ - ANOVA

جدول ۷: ضرایب همبستگی بین میزان فعالیت‌های ورزشی و ابعاد انحرافات اجتماعی

انحرافات اجتماعی	کجروی‌های اخلاقی	مصرف مواد مخدر	خشونت و پرخاشگری	وندالیسم		
-۰/۲۹۱**	-۰/۱۴۵	-۰/۳۵۲**	-۰/۳۲۴**	-۰/۳۳۶**	همبستگی اسپیرمن	میزان فعالیت‌های ورزشی منظم
۰/۰۰	۰/۰۸۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	سطح معناداری	
-۰/۲۵۷**	-۰/۰۲۳	-۰/۲۰۸**	-۰/۱۰۰	-۰/۳۷۳**	همبستگی اسپیرمن	میزان فعالیت‌های ورزشی نامنظم
۰/۰۰	۰/۷۲۷	۰/۰۰	۰/۱۲۱	۰/۰۰	سطح معناداری	

جدول ۷ نشان می‌دهد که رابطه معنی‌دار منفی بین میزان فعالیت‌های ورزشی منظم و ابعاد انحرافات اجتماعی بجز بعد کجروی‌های اخلاقی- فرهنگی وجود دارد. در مجموع نیز میزان فعالیت‌های ورزشی منظم با ضریب -۰/۲۹۱- و سطح معنی‌داری ۰/۰۰ با انحرافات اجتماعی کل رابطه منفی دارد. همچنین، میزان فعالیت‌های ورزشی نامنظم با ابعاد خشونت و پرخاشگری و کجروی‌های اخلاقی- فرهنگی رابطه معنی‌داری ندارد، ولی رابطه معنی‌دار منفی بین میزان فعالیت‌های ورزشی نامنظم و ابعاد وندالیسم و مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی وجود دارد. در مجموع نیز میزان فعالیت‌های ورزشی نامنظم با ضریب -۰/۲۵۷- و سطح معنی‌داری ۰/۰۰ با انحرافات اجتماعی کل رابطه منفی و معکوسی دارد.

فرضیه هفتم: میزان انحرافات اجتماعی به تفکیک نوع فعالیت‌های ورزشی تفاوت معنی‌داری دارد.

جدول ۸: میزان انحرافات اجتماعی بر اساس نوع فعالیت‌های ورزشی

نوع فعالیت ورزشی	تعداد	میانگین	کمیت Z	سطح معناداری
بصورت منظم	۱۵۶	۱۷۳/۸۷	۳/۸۶	۰/۰۰۰
بصورت نامنظم	۲۴۱	۲۱۵/۲۷		
سازمان یافته	۳۹	۷۲/۵۰	۰/۸۷۶	۰/۳۸۱
غیر سازمان یافته	۱۱۷	۸۰/۵۰		

بر اساس جدول ۸، آزمون یو-من-وایت‌نی و با استناد به مقدار آزمون Z و سطح معناداری، نوع فعالیت‌های ورزشی پاسخگویان (سازمان یافته و غیرسازمان یافته) بر روی میزان انحرافات اجتماعی آنان اثر معنی‌داری نمی‌گذارد، اما با اطمینان ۰/۹۹ به لحاظ آماری تفاوت میزان انحرافات اجتماعی در بین جوانان با فعالیت‌های ورزشی منظم و نامنظم معنی‌دار است، به‌طوری که میانگین میزان انحرافات اجتماعی برای جوانانی که

فعالیت ورزشی منظم دارند (۱۷۳/۸۷) و برای جوانانی که به صورت نامنظم فعالیت ورزشی می‌کنند (۲۱۵/۲۷) می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق متغیر فعالیت‌های ورزشی به عنوان متغیر مستقل مورد توجه بوده است. فعالیت‌های ورزشی در جهان حاضر یکی از موثرترین و نیرومندترین بسترهایی است که با توجه به اقبال گسترده همگان می‌تواند در زمینه‌های مختلف مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بنابراین به عنوان یک پدیده اجتماعی، توجه عموم جامعه شناسان را به خود جلب کرده است. در این تحقیق به آرای برخی از آنان اشاره شده است؛ افرادی چون هیرشی، سادرلند، اسپنسر، سیلز و نوبرت الیاس که بر اهمیت و نقش فعالیت‌های ورزشی در نحوه رفتار و همنوایی با ارزش‌های جامعه انگشت تاکید گذاشته‌اند.

در رابطه با تاثیر مستقیم میزان فعالیت‌های ورزشی بر انحرافات اجتماعی، از تئوری‌های پیوند اجتماعی و نظریه ملامت و خستگی استفاده شده است. در این نظریه‌ها هر چه قدر اوقات فراغت افراد با فعالیت‌های ورزشی پر شود و افراد وقت بیشتری را به این کار اختصاص بدهند، زمان در دسترس برای رفتار ضد اجتماعی کاهش می‌یابد (کریگر، ۲۰۰۷). در این رویکرد شرکت در فعالیت‌های ورزشی بر این اساس که ساعت‌ها و اوقات فراغت جوانان را پر می‌کند و وقت کمتری جهت درگیری در فعالیت‌های ضد اجتماعی باقی می‌گذارد، مورد تاکید می‌باشد. یافته‌های بدست آمده در جدول ۵ نیز نشان می‌دهد که با افزایش میزان فعالیت‌های ورزشی (منظم و نامنظم)، میزان انحرافات اجتماعی کل (و ابعاد وندالیسم، خشونت و پرخاشگری و مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی) کاهش می‌یابد. این نتیجه با نتایج تحقیقات گلزاده (۱۳۸۲)؛ فتحی‌پور (۱۳۸۷)؛ یعقوبی هریکنده (۱۳۸۷)؛ لندرز و لندرز (۱۹۷۸)؛ اسکافر (۱۹۶۹)؛ بوهرمن (۱۹۷۷)؛ سگریو و هاستید (۱۹۸۲)؛ اندرز و اندرز (۲۰۰۳) و ورملیون (۲۰۰۷) هم‌خوانی دارد. جب (۲۰۰۹) نیز معتقد است که پیوندهای محکم اجتماعی مانع انحراف می‌شوند، در حالی که پیوندهای ضعیف انعطاف پذیری کمتری نسبت به انحراف دارند. هر چه انسجام و همبستگی بیشتر باشد، میزان انحرافات کمتر است. همچنین این نتایج با نظریه هیرشی نیز هم‌خوانی دارد. بر طبق این نظریه، افراد در طول زندگی، زمان و انرژی محدودی دارند. «درگیری» در امور زندگی روزمره (ورزش کردن) وقت زیادی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می‌شود. افراد بیکار، وقت بیشتری برای هنجارشکنی دارند. پس فراهم بودن تسهیلات ورزشی و ورزش بصورت منظم، موجب کاهش کج رفتاری می‌شود (بخارایی، ۱۳۸۶). نکته قابل

توجه اینکه نتایج نشان می‌دهد بین میزان فعالیت های ورزشی (منظم و نامنظم) و بعد کجروی های اخلاقی و فرهنگی رابطه معنی داری وجود ندارد. این نتیجه با نتایج تحقیق فتحی پور (۱۳۸۷) هم خوانی دارد.

همچنین، نتایج کریگر (۲۰۰۷) بر عکس نتایج تحقیق ما نشان می‌دهد که درگیری در فعالیت های ورزشی، مانع از خشونت مردان نمی‌شود. در توجیه رابطه فوق باید عنوان کرد که نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که با وجود اینکه میزان فعالیت های ورزشی نامنظم با خشونت و پرخاشگری رابطه معنی داری ندارد، اما درگیری هر چه بیشتر در فعالیت های ورزشی منظم، از میزان خشونت و پرخاشگری می‌کاهد. بر طبق نظریه «فرایند متمدن شدن نوربرت الیاس: احساسات، حالات و خشونت» فعالیت های ورزشی منظم می‌توانند پویایی و تحرک فیزیکی زیاد تولید کنند و زمینه های عقده‌گشایی ورزشکاران را فراهم نمایند - این در حالی است که تخلیه خشونت در فعالیت های ورزشی نامنظم نمی‌تواند صورت بگیرد. بنابراین میان این دو نوع فعالیت های ورزشی باید تفکیک قائل شد.

در رابطه با تاثیر مستقیم نوع فعالیت های ورزشی بر میزان انحرافات اجتماعی، نتایج جدول ۸، نشان می‌دهد که میزان انحرافات اجتماعی در بین جوانانی که فعالیت های ورزشی منظم و نامنظم دارند، به لحاظ آماری متفاوت است و میانگین انحرافات اجتماعی برای جوانانی که فعالیت های ورزشی منظم دارند، کمتر از جوانانی است که فعالیت های ورزشی نامنظم دارند. این در حالی است که به لحاظ آماری تفاوت معنی داری بین فعالیت های ورزشی سازمان یافته و غیرسازمان یافته براساس میزان انحرافات اجتماعی وجود ندارد. با توجه به اینکه در هیچ از تحقیقات گذشته، فعالیت های ورزشی به انواع منظم و نامنظم تقسیم بندی نشده بود، نتایج یافته ها مبنی بر کمتر بودن میزان انحرافات اجتماعی در بین جوانانی که فعالیت های ورزشی منظم دارند با نتایج تحقیقات ورملیون (۲۰۰۷) و فتحی پور (۱۳۸۷) با تقسیم بندی ورزشکار و غیر ورزشکار هم خوانی دارد. همچنین نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات اندرز و اندرز (۲۰۰۳) هم خوانی ندارد. آنان دریافتند که فعالیت های ورزشی مثل شنا و سایر فعالیت های سازمان یافته به عنوان برنامه های اصلاحی مناسب، بازخورد مثبتی دارد و نیازهای فردی را به خوبی ارضا و رفع می‌نماید. این مطالعه تاکید می‌کند که فعالیت های ورزشی باید انتخابی و سازمان یافته باشند، در غیر این صورت ممکن است نتایج سوء به بار بیاورند. در توجیه عدم هم خوانی رابطه فوق باید خاطر نشان کرد که این تحقیق در یک واحد اقامتی تامینی تحت نظارت مرکز جرم در انگلستان صورت گرفته است و به نظر می‌رسد قدرت تعمیمی آن برای جامعه بزرگتر با مشکلاتی همراه است. همچنین، اجباری بودن و تحت نظارت در آوردن فعالیت های ورزشی در

محیط‌های شهری کار بسیار سخت و شاید غیر ممکن باشد. همچنین نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که فعالیت‌های ورزشی نامنظم براساس نوع فعالیت‌های ورزشی (تیمی و انفرادی) معنادار نیست. این درحالی است که میانگین انحرافات اجتماعی برای جوانانی که فعالیت‌های ورزشی منظم تیمی دارند بیشتر از جوانانی است که به فعالیت‌های ورزشی منظم انفرادی می‌پردازند. این اختلاف بین فعالیت‌های ورزشی منظم تیمی و انفرادی جای تأمل دراد و به گونه‌شناسی جزئی‌تر با در نظر گرفتن متغیر واسط و تاثیرگذار نیازمند است.

در رابطه با تاثیر غیر مستقیم فعالیت‌های ورزشی به واسطه پیوند اجتماعی بر روی انحرافات اجتماعی، به استناد نتایج جداول ۱ و ۲ می‌توان گفت که فعالیت‌های ورزشی نامنظم با افزایش بعد باور و اعتقاد با انحرافات اجتماعی رابطه معکوس و منفی دارد. با توجه به اینکه در جامعه ما ورزشکاران با برچسب‌های جوانمردی، مردانگی و ... شناخته می‌شوند، جوانانی که در وادی امر به این صحنه قدم می‌گذارند، متاثر از این باورها هستند و به نوبه خود از انحرافات اجتماعی دوری می‌گزینند. این درحالی است که فعالیت‌های ورزشی منظم با بعد تعهد رابطه مستقیم و مثبتی دارد و به واسطه متغیر تعهد، جوانان را از انحرافات اجتماعی دور می‌کند. در توجیه این رابطه، می‌توان چنین استدلال کرد که بر طبق نظر هیرشی، سرمایه‌گذاری در هر کاری منجر به افزایش تعهد می‌شود. بنابراین جوانان که بصورت منظم فعالیت ورزشی دارند با صرف زمان و انرژی و احتمالاً کسب منزلت و مقام و رسیدن به برچسب ورزشکار، تعهد بالایی دارند و به راحتی با انجام رفتار انحرافی سرمایه‌گذاری خود را هدر نمی‌دهند. این نتایج با تحقیقات ورملیون (۲۰۰۷) همخوانی دارد. نتایج تحقیقات او نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌دار آماری بین ورزشکاران و غیرورزشکاران در ارتباط با شخصیت‌های معین به واسطه نظریه پیوند اجتماعی حاصل می‌شود؛ به عبارتی، مشارکت ورزشی به واسطه نظریه پیوند اجتماعی بر میزان رفتار انحرافی تاثیر منفی می‌گذارد. این درحالی است که در تحقیق حاضر در مجموع میزان فعالیت‌های ورزشی تاثیر معنی‌داری بر پیوند اجتماعی ندارد و فقط با ابعاد باور (فعالیت‌های ورزشی نامنظم) و تعهد (فعالیت‌های ورزشی منظم) رابطه مثبت و مستقیمی دارد و به واسطه این ابعاد بروی انحرافات اجتماعی تاثیر منفی و معکوسی می‌گذارد. دیسموند و دیگران^۱ (۲۰۱۱)، معتقدند که باور به اعتبار افزایش سخت‌گیری در قوانین موجب کاهش رفتارهای انحرافی می‌شود.

۱ - Desmond et al

در مورد تاثیر غير مستقيم فعاليت‌هاي ورزشي به واسطه پيوند افتراقي بر روي انحرافات اجتماعي، همان‌طور که پوردي^۱ و ريچارد^۲ (۱۹۸۳)، بيان نمودند، در حالي که بزهکاران ارزش‌ها و رفتارهاي بزهکارانه را از گروه همسالان ياد مي‌گيرند، اما ورزشکاران بوسيله ارزش‌ها و رفتارهاي مطابق با ارزش‌هاي عرفي و رفتارهاي جامعه، جامعه‌پذير مي‌شوند. نتايج جدول ۳، نشان مي‌دهد که جواناني که فعاليت‌هاي ورزشي منظم دارند نسبت به جواناني که فعاليت ورزشي نامنظم دارند، کمتر دوستان منحرف دارند و بدین‌سان ميزان انحرافات اجتماعي کم‌تري نيز دارند. همچنين، تفاوت معنی‌داري بين فعاليت‌هاي ورزشي سازمان‌يافته و غيرسازمان‌يافته براساس ميزان دوستان منحرف وجود ندارد. به عبارت دقيق‌تر، فعاليت‌هاي ورزشي (سازمان‌يافته و غيرسازمان‌يافته) به واسطه ميزان دوستان منحرف، تاثير معناداري بر ميزان انحرافات اجتماعي جوانان ندارد.

از مزيت‌هاي اين تحقيق، سنجش ميزان انحرافات اجتماعي به روش خود اعترافي است تا شناخت کاملی از ميزان انحرافات جوانان به‌دست آيد. از مزايای ديگر تحقيق اينکه، جامعه آماری ما جوانان يکي از شهرهاي بزرگ ايران يعنی تبريز می‌باشد که قدرت تعميم‌پذيري نتايج را بيشتر می‌کند؛ چرا که تمامی تحقيقات صورت گرفته در اين زمينه بر روي جوانان محصل و درحال تحصيل بوده است و بعلاوه، ميزان و نوع فعاليت‌هاي ورزشي اين گروه سنی با توجه به محدوديت و اجباري بودن آن مطابق با قوانين آموزش و پرورش، صورت پذيرفته است. در ضمن با توجه به اينکه بيشترين زماني که صرف فعاليت‌هاي ورزشي می‌شود در اوقات فراغت، تعطيلات آخر هفته و يا در فصول تابستان و خارج از مدرسه می‌باشد، در اين تحقيق با انتخاب نمونه آماری از جامعه شهري اين کاستي‌ها رفع گرديده است.

پيشنهادها

با توجه به آنچه که گذشت و بر اساس تجربيات به‌دست آمده در اين تحقيق و نيز با اعتقاد به اينکه بررسي‌هاي تئوريک و تحليل هاي آماری، بايد با پيشنهادهای همراه باشد تا شکل سازنده‌تری به خود گيرد، در ادامه به برخی، پيشنهادهای اشاره می‌گردد:

۱. نتايج پژوهش نشان می‌دهد که فعاليت هاي ورزشي منظم نقش پر رنگ تری در کاهش انحرافات اجتماعي دارد. بنابراین اهميت دادن به فعاليت‌هاي ورزشي منظم و بسط هر چه بيشتر آن در جامعه

۱- Purdy
۲- Richard

باید در اولویت قرار گیرد. این کار در وهله اول با تامین حداقل امکانات ورزشی لازم برای جوانان و در مرحله بعدی با ایجاد انگیزه در بین جوانان برای جذب و گرایش به فعالیت‌های ورزشی منظم می‌تواند عملیاتی شود.

۲. ضروری است از مقوله‌ای به نام "ورزش شهروندی" که در راستای ترویج فعالیت‌های ورزشی منظم در بین شهروندان می‌باشد و یکپارچه و مداوم نمودن برنامه‌های تربیت‌بدنی و شهرداری در امور ورزش حمایت گردد.

۳. با توجه به تأثیر مستقیم فعالیت‌های ورزشی به عنوان یکی از مولفه‌های پیوند اجتماعی و نقش غیرمستقیم آن در افزایش دیگر مولفه‌های پیوند اجتماعی (وابستگی، تعهد و باور)، دنبال کردن رویکرد محله-محوری در مدیریت فضاهای ورزشی و استقرار کردن سالن‌ها و زمین‌های رو باز ورزشی در هر محله می‌تواند موثر باشد. این کار از جهات مختلف می‌تواند کارکرد اجتماعی-فرهنگی داشته باشد: (۱) جوانان می‌توانند اوقات فراغت خود را در محلات با فعالیت‌های ورزشی پر نمایند؛ (۲) جوانان به محله و شهر خود احساس تعلق خاطر کنند؛ به‌طوری که بر مبنای نظریه پیوند اجتماعی، وابستگی آنها به خانواده و افراد ساکن در محله‌شان افزایش می‌یابد و به دنبال برقراری ارتباط اجتماعی سالم و صمیمی، تعهد و باور آنها نیز فزونی می‌گیرد.

۴. در رسانه‌های جمعی در راستای تبیین مزایای ورزش و فعالیت‌های ورزشی، و تشویق و ترغیب جوانان به فعالیت‌های ورزشی و شناساندن پهلوانان و قهرمانان اخلاق ورزشی به جوانان اقدامات لازم صورت پذیرد.

۵. ورزش به‌عنوان فعالیتی برای گذراندن اوقات فراغت در میان جوانان نهادینه شود.

منابع

- اباذری، یوسفعلی (۱۳۸۱) "نوربرت الیاس و فرایند متمدن شدن". نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۹: ۱۹-۲۵.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۹) جامعه شناسی انحرافات. (چاپ چهارم). تهران: انتشارات سمت
- انورالخولی، امین (۱۳۸۳) ورزش و جامعه. حمیدرضا شیخی. چاپ دوم. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)
- بخارایی، احمد (۱۳۸۶) جامعه شناسی انحرافات اجتماعی در ایران. تهران: انتشارات پژوهاک جامعه
- جهانفر، محمد (۱۳۸۱) "خشونت در فوتبال قابل پیشگیری است". نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۹.
- دوفرانس، ژاک (۱۳۸۵) جامعه شناسی ورزش. عبدالحسین نیک گهر. تهران: توتیا
- ذکائی، محمدسعید (۱۳۸۷) جامعه شناسی جوانان ایران. چاپ دوم. تهران: انتشارات آگاه
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۹) آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات). چاپ بیست و یکم. تهران: آوای نور
- صدیق سروسستانی، رحمت الله (۱۳۸۷) آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی). چاپ چهارم. تهران: انتشارات سمت
- فتحی پور، محمدصدیق (۱۳۸۷) "مقایسه نگرش به انحرافات اجتماعی نوجوانان پسر ورزشکار و غیرورزشکار". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی. دانشگاه تهران.
- قاسمی، وحید، ذوالاکتاف، علی و نور علی وند (۱۳۸۸) جامعه شناسی ورزش (وندالیسم و اوباشگری در ورزش فوتبال). تهران: انتشارات جامعه شناسان
- کوئن، بروس. (۱۳۷۹). درآمدی به جامعه شناسی. (ترجمه محسن ثلاثی). (چاپ هشتم). تهران: نشر توتیا.
- گلزاده، مهریار (۱۳۸۲) "بررسی جایگاه تربیت بدنی و نقش آن در کاهش گرایش به انحرافات اجتماعی در دبیرستان های اردبیل". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.
- معدکن، ایراندخت (۱۳۶۹) نقش ورزش در جلوگیری از انحرافات اخلاقی جوانان. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه
- موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران (۱۳۸۴) ورزش و تربیت بدنی در برنامه سوم توسعه کتاب دولت. تهران: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
- مهرآئین، محمدرضا (۱۳۸۷) نظریات جدید جامعه شناسی و ورزش. تهران: انتشارات جامعه شناسان
- نادریان جهرمی، مسعود (۱۳۸۹) مبانی جامعه شناسی ورزش. تهران: بامداد کتاب
- یعقوبی هریکنده، امیرحسین (۱۳۸۷) " بررسی تاثیر فعالیت های ورزشی نوجوانان بر نگرش نسبت به بزهکاری". پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه پیام نور مرکزی.

- Booth, Job A., Amy Farrell and Sean P. Varano (2008) "**Social Control, Serious Delinquency, and Risky Behavior: A Gendered Analysis**". Crime & Delinquency. Volume 54 Number 3: 423-456.
- Desmond, Scott A., B. Soper, E. Sarah, and R. Kraus (2011) "**Religiosity, Peers and Delinquency: Does Religiosity Reduse the Effect of Peers on Delinquency**". Sociological Spectrum. Vol. 31.
- Hawdon, James E. (1999) "**Daily Routines and Crime Using Routine Activities**". Youth & Society. Vol 30, and No.4: 395-415.
- Jeb,A & Amy, F. & Sean,p(2009)"**Social control- serious delinquency and risky behavior**" . Journal of crime & delinquency. p. 423.
- Kreager, Derek A. (2007) "**Unnecessary Roughness? School Sport, Peer Networks, and Male Adolescent Violence.**" American Sociological Review.Vol.72. (October:705-724).
- Mason, Gail and Paul Wilson (1988) **Sport, Recreation and Juvenile Crime: An Assessment of The Impact of Sport and Recreation Upon Aboriginal and Non- Aboriginal Youth Offenders.** Frist Published by the Australian Institute of Criminology. Canberra..
- Michael, A. C. (2003) "**Religion and Social Control: An Application of a Modified Social Bond on Violence**". Criminal Justice Review. Vol. 28.
- Ozbay, O. and Y. Z. Ozcan (2006) "**A Test Of Hirschi's Social Bonding: Theory Juvenile Delinquency in the High Schools of Ankara**". Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology. Vol. 50.
- Purdy, D. A. and S. F. Richard (1983) "**Sport and Juvenile Delinquency: An Examination and Assessment of Four Major Theories**". Journal of Sport Behaviour. 6(4), pp. 179-83.
- Snyder, Eldon E. (1994) "**Interpretations and Explanations of Deviance Among College Athletes: A Case Study**". Sociology of Sport Journal. 11. 231-248.
- Sugden, J and Yiannakis, A. (1982) "**Sport and Juvenlie Delinquency: A Theoretical Base**". Journal of Social and Behavioral Sciences. 22-30.
- Vermillon, Mark (2007) "**Sport Participation and Adolescent Deviance: A Logistic Analysis**". Social Thought & Research. Vol 28.

A Study on the Impact of Sports Activities on the Rate of Youth Social Deviances

Ahmad Bokharaee

Ph. D., Assistant Professor in Sociology, University of Payam-e- Noor

Seyyed Mahdi Aghapoor

Ph. D., Assistant Professor in Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran

Amir Sattari Dolat Abad

Ph.D. student in Sociology, Islamic Azad University, Tehran Branch

Received: 23 Sep. 2014

Accepted: 11 Oct. 2014

The research attempts to explain the relationship between sports activities on social deviations among youth with regard to intermediate variables such as social link and differential link for detailed explanation of indirect relationship between sports activities and social deviations. The most important questions which answered in this study are as follows: Do sports activities are effective on social deviations? What impacts Sports activities have on social deviance through social link and differential link? The research method is survey one and data collection instrument is questionnaire. In addition to formal credit, confirmatory factor analysis was used to evaluate the validity of the questionnaire, and the reliability was measured based on calculation Cronbach's alpha measure. The Sample of 400 young people ranging 15-29 years old which habited in Tabriz was selected primarily by cluster sampling technique and thereafter by simple random sampling technique by the help of survey and questionnaire procedures. owing to the fact that sports activities (independent variables) are apportioned to (regular, irregular, organized, non-organized individual and team varieties) and social deviations (dependent variable) are assorted to (vandalism, aggression, violence, drugs, alcoholism, and cultural-ethical deviances), statistical findings support the correlation of regular or irregular sports activities and their rate, team or individual sports. The rate of social association and devious friends with social deviances were confirmed but the correlation between organized and non-organized sports activities and social deviances and also between sports activities and social association as well as between irregular sports activities and devious friends were not confirmed.

Keywords: Sport Activities, Social Deviances, Social Association and Differential Association